

فرہنگ و فرہنگ

محمد علی اسکندرشاہ



سرشناسه،	اسلامی ندوشن، محمدعلی، ۱۳۰۴.
عنوان و نام پدیدآور،	فرهنگ و شبه‌فرهنگ / تألیف: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن.
مشخصات نشر،	تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری،	۲۲۰ ص.
شابک،	ISBN 978-964-325-415-5
وضعیت فهرست‌نویسی،	فیا
یادداشت،	بخش اول کتاب اولین بار در مجله یفما در سال ۱۳۴۹ منتشر شده است.
موضوع،	مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴.
موضوع،	فرهنگ -- مقاله‌ها و خطبه‌ها.
شناسه افزوده،	شرکت سهامی انتشار.
رده‌بندی کنگره،	۱۳۹۴ ۸۹۰/۴ PIRV۹۵۳/
رده‌بندی دیویی،	۸۸۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی،	۳۸۸۵۳۱۸

فرهنگ و شبه‌فرهنگ

تألیف: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپخانه حیدری: ۱۱۰۰ نسخه

۱۳۵۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نیش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار چاپ سوم
۱۱	سرآغاز چاپ نخست
۱۳	نظر چند صاحب‌نظر فرهنگ و تقارن‌هایش با این کتاب
۲۱	بودن یا نبودن فرهنگ
۴۵	زبان، فکر و پیشرفت
۵۹	بر زمین لرزان فرهنگ
۷۳	گفت از حمام گرم کوی تو ...
۷۹	دنیای دو فرهنگ
۸۵	الوهیت ابزارها
۹۹	یادداشت‌های دیگر
۱۲۷	دو گفت و شنود در ارتباط با فرهنگ
۱۲۹	فرهنگ و انسان
۱۵۱	سیر فرهنگ در ایران
۱۸۹	«ضمیمه»: آموزش و شبه آموزش
۱۹۱	پیشگفتار
۱۹۹	درباره آموزش

پیشگفتار چاپ سوم

بیست و هشت مرداد سی و دو در ایران تاریخی به یاد سپردنی است. به ماهیت سیاسی آنچه در آن روز گذشت و آنچه به دنبال آن آمد، در این جا کاری نداریم. به این کار داریم که بادش، یا بهتر بگوئیم، سهوش به فرهنگ گرفت و از این حیث در این کشور دوران تازه‌ای آغاز گشت. در يك كلمه، ایران «نفت زده» شد، و همه امور در شیار این وضع به جریان افتاد. طی سی سال اخیر اگر بر موضوع فرهنگ تکیه داشته‌ام برای آن است که آن را مادر مسائل می‌شناختم؛ فرهنگ دیدگاه است، نیروی راهبر است؛ و ما از طریق آن جهان را می‌بینیم، و آنگونه که در چشم ما می‌آید، به دنبالش عمل می‌کنیم.

از مرداد سی و دو به این سو، ما فرهنگی متفاوت با گذشته در جامعه خود رشد داده‌ایم: جمعیت کشور بسرعت افزایش یافته، تراکم در شهرها به صورت هجوم و اشغال درآمده، کشاورزی تحت الشعاع صنعت مونتاژ قرار گرفته، و مجموع این عوامل، به اضافه چند عامل دیگر، فرهنگ مردم ایران را در حالتی معلق که می‌توان گفت «همان است و جز آن است» قرار داده.

چرا همان؟ برای آنکه ماهیت ایرانی تغییری نکرده. چرا جز آن؟ برای اینکه این ماهیت از جای خود ریشه کن شده است، و دیگر در همان آب و خاک پیشین مستقر نیست. بر اثر این وضع عجیب، همه چیز به عارضه «همان است و جز آن است» دچار گردیده، و «شبه» به جای «اصل» نشسته.

از این رو، از همان سال ۱۳۴۹ که تاریخ انتشار نخستین مقاله‌های این کتاب است «شبه فرهنگ» را پدیده نگران کننده‌ای خواندم.

ما اگر با تاریخ ایران آشنا نبودیم، که در آن، دوره‌های متناوب «گشاد و بست» پیایی آمده، در معرض آن قرار می‌گرفتیم، که دستخوش نومیدی شویم، ولی جریانهای گذشته

تأخذی تسلی بخش بوده است، و خود را به این خوشبینی می سپاریم که هر نهاجمی نطفه دفاع خود را در خود می پرورد. بنابراین بازگشت به «فرهنگ متعادل» جزو انتظاراتی ماست، هر چند این انتظار بیشتر چاشنی خود را از «آرزومندی» بگیرد تا از قرائن ملموس.

«شبه» به جای «اصل» خطر آب زیرکاهی است که جامعه بشری را به آشفتگی تهدید می کند: شبه خوشبختی به جای خود خوشبختی، آنگونه که در جوامع مرفه و صنعتی اکنون مشهود است؛ شبه دانائی به جای دانائی، شبه ایمان به جای ایمان، و شبه تجدد و پیشرفت، به جای تجدد و پیشرفت، که این یکی بسیاری از کشورهای «جهان سوم» را در شمع تهدید خود دارد.

هنگامی که نخستین بار مطالب این کتاب انتشار می یافت، همه ظواهر امر در کشور ما حکایت از جنب و جوشی فرهنگی داشت، ولی باطن جز آن بود و حوادث بعدی نشان داد که آن خودنماییها و اسم و ایسم ها تا چه پایه نقش بر آب بوده.

وقتی در کشوری که دارای تاریخ و سنت های کهن است، منبع درآمد منحصر به نفت بشود، و بوفور سرازیر گردد، و «دستگاه مقیم»، یک دستگاه بی فرهنگ و غیرامین باشد، زمینه فراهم خواهد بود تا انبوه مردم کار، هنر، نبوغ، سلامت نفس، و عزت خود را عاقل بگذرانند، و دست برای گرفتن سهمی از آن دراز داشته باشند. در این صورت طبیعی است که جز به دریافت «جیره»، کمتر به چیز دیگری بیندیشند، و نتیجه دگرگش آن است که چون در این شوریده بازار، «نخاله ها» کم دست و پاها را زیر دست و پا له می کنند، سرانجام عصیان پدید آید.

آنچه در این مجموعه کوچک آمده، تنها به صورت اشاره است که مفصل آن محتاج کتابهای حجم داری است. این را قبول داشته باشیم که تا مزاج ایران به «اعتدال فرهنگی» بازنگردد، آسایش و سلامت به او روی نخواهد آورد. منظور از «اعتدال فرهنگی» آن است که «شبه ها» به «اصل» نزدیک گردند و هر کسی کم و بیش بر سر این اعتقاد بازگردد که ادا کردن حق زندگی جز با «کار جدی» میسر نیست.

از آنچه گفته شد، منظور آن نبوده است که ایران از نفت خود چشم پیوشد، و مثلاً مانند اتیوپی یا بنگلادش بشود، منظور آن است که از زندگی یک بُعدی و یک تکیه گاهی

دست بردارد. مع ذلك، بفرض، اگر مرا مخیر می‌کردند که از «ذخائر نفتی» یا «سلامت فرهنگی» یکی را انتخاب کنم، بی‌تردید دومی را می‌گرفتم: اکنون که کار از این حرف‌ها گذشته و چنین انتخابی در میان نیست، يك بیداری بزرگ، به خود آمدن، و تلاش لازم است تا بتوان از تنگنا گذشت.

من همواره بر این باور بوده‌ام که ایرانی در كنه ذات خود يك هسته نجات و استعداد دارد که می‌تواند آن را عاطل بگذارد یا بشکفاند. به این سبب است که بر حسب مقتضیات او را آنقدر متغیر می‌بینیم: دیده شده است که بتواند این ساعت بدترین انسان باشد، و ساعتی دیگر بهترین؛ يك لحظه تلخ و يك لحظه شیرین. و از همین روست که در میان مردم ما بهترین و بدترین افراد دیده شده‌اند.

ایرانی یکی از آماده‌ترین ملت‌هاست که در مسیری که عامل جهت‌دهنده به او می‌بخشد، حرکت کند؛ اگر بیراهه باشد، ذوق بیراهگی می‌یابد و اگر راه، ذوق راه. و اکنون که مجموع اوضاع و احوال زمان را نگاه می‌کنیم، گمان می‌کنم که یکی از آخرین فرصت‌هاست که بتوان از توانائی وی برای روبه‌راه نهادن بهره گرفت. در این چاپ دوسه مطلب که به موضوع ربط داشت اضافه گردید.

تیر ۱۳۷۰

محمدعلی اسلامی ندوشن

سرآغاز چاپ نخست

این مجموعه شامل دو قسمت است، یکی مقاله‌هایی که پیش از این در موضوع فرهنگ انتشار یافته بود؛ و دیگر یادداشت‌هایی که نیمه دوم کتاب را دربرمی‌گیرد و نخستین بار است که نشر می‌یابد. بنابراین تاریخ اولین مقاله این مجموعه که «بودن یا نبودن فرهنگ» باشد، باز می‌گردد به پنج سال پیش (۱).

در باره فرهنگ نسبت حرف زیاد زده می‌شود، ولی حرف داریم تا حرف. بعضی حرف‌ها برای آن است که فقط حرف باشد، بعضی برای آنکه نبودن عمل را پوشاند، و بعضی دلسوزی‌ها نیز یادآور این داستان مثنوی می‌شود که کودکی در بغل سیاهی بود و گریه می‌کرد؛ سیاه، برای آرام کردنش او را نوازش می‌کرد، و هر چه بیشتر نوازش می‌کرد، کودک بیشتر گریه می‌کرد، غافل از آنکه بچه از خود او می‌ترسید.

در وضعی که ما هستیم و دوران تحولی را که خواه ناخواه، و به‌مراه دنیا در پس گردونه تاریخ می‌پیمائیم، سکوت درباره فرهنگ، سرباز زدن از وظیفه انسانی است. اگر بحرانی در دنیای امروز باشد، بیش از بحران اقتصاد و پول و نفت و نیرو، بحران فرهنگ است. نفت‌ها چراغ‌ها را روشن می‌دارند، ولی چه فایده وقتی چشم‌ها را تاری بگیرد؟ یا چه فایده که همه کارخانه‌ها خوب کار بکنند، مگر کارخانه وجود انسان؟

در کشورهایی که در پیوند با تاریخ، کهن فرهنگ اند، و در برخورد با دنیای تجدد، نوفرهنگ، بازار هنگامه به نوع دیگری گرم است. دعا کنیم که رهنوردان با روح ساربان‌ی برپشت «رنج روور» ننشینند، و گرنه وای بر بیگانگانه‌ای که بر سر راه

باشند.

فرهنگ، جز این چیزی نمی‌گوید که: پیاده شویم و با هم برویم. هیچ کس در دنیا نوبرش را نیاورده. این همان چشمه خورشید جهان افروز است — که همی تافت برآرامگه عاد و ثمود.

در بحبوحه ذوق زدگی تجدد، يك خطر آن است که در کار آن باشیم که «زیبائی» را فراموش کنیم؛ و غلو نیست اگر بگویم که در عمق، تشخیص میان زشت و زیبا پیوند می‌خورد با تشخیص میان رواناروا و خوب و بد؛ بنابراین با کاهش نیاز به زیبایی، شناسائی درست و نادرست متوش می‌گردد.

ایران در طی تاریخ دراز خود، چه آنگاه که فرمانروا بوده و چه آنگاه که شکست خورده، حتی در دوره‌های انحطاط، زیبایی را بتامای از یاد نبرده است، و قابلیت شناسائی توازن و هنجار را از دست نداده؛ و به همین سبب، از عهده تجلید حیات معنوی خود برمی‌آمده. این حس تشخیص زیبایی و نیاز به زیبایی، در ساده‌ترین افراد ایران، از چوپان و روستائی تا ایل‌نشین، وجود داشته است.

اگر امروز معیارهای پیشین زیبایی را نمی‌پسنیدیم و آنها را کهنه و «ارتجاعی» می‌دانیم، خوب است معیارهای تازه‌ای ابداع نمائیم، تا وضع چنان نشود که مجال پرداختن به زیبایی را از خود سلب کنیم و رفته رفته کامیابی خویش را در گرو زشتی ببینیم.

آنچه در این رساله آمده امیدوارم که سوء تفاهم برای کسی ایجاد نکند؛ نه خدای نکرده، اسائه ادب به تراکتور است و نه مدح گاو آهن. تنها یادآوری و درخواستی است که کسانی هم در خانه هستند، و ولومی خواهیم بهشت بسازیم، کمی آرام‌تر، لزومی ندارد که سقف بر سر آنها فرود آید.

آذر ۵۴ ۱۳

محمد علی اسلامی نلوشن